

### فلسفه دیگر برای قصد قربت

در بعضی از اعمال چنین است که انسان در آنعمل از عالم مادیت متوجه و صعود بعالم روحانیت کرده تا از عالم مادیت منصرف شود مانند غسل جنابت در اثر مساجبه چون آنعمل يك عمل مادی صرفست و اگر بشر متوغل در مادیات گردد از روحیات و اخلاقیات عقب می ماند و بمنزل سعادت حقیقی خود نمی رسد بدین جهت قصد قربت را که توجه بمبدء اعلی و انصراف نفس از مادیاتست منظور نمود در این حال وقتی که انسان از آن توجه برمی گردد خود را مملو از حب فضایل نفسانی دیده البته تا زمانیکه این خیال از خاطر او زایل نشده باندازه بقاء آن خیال در نفس مهذب گشته پیرامون اعمال غیر مرغوبه نمیگردد و یکی از معانی ( ذکر الله حسن فی کل حال ) همین است

بعبارت واضح تر آنکه نیت و قصد قربت را در امثال این اعمال شارع اسلام منظور داشته تا توازن اعمال قوای مادی و ادبی انسانها را در عالم اجتماع يك طرز و نسق محفوظ دارد. اگر روح انسانی در بعضی از اوقات مناسبه بمبدء اعلی متوجه نشود بسا میشود که قوای مادیه طبیعیه بر اخلاق فاضله غالب آید و بدین جهت انسانرا از وصول بدرجات عالیة اخلاقیه و تهنذیب نفس محروم سازد و از نتایج لذائذ اخلاق فاضله بطریق غیر منظم عقب نشانند این انسانها لیاقت دارند که جزء و عضو مدینه فاضله گردند. مدینه فاضله باید تعلیمات و طرز تشکیلات قوانینش بنحوی برقرار شود که آن جامعه را همیشه و دائماً يك سائق نفسانی و توجه روحی بلذات ابدی برساند و کامل سعادات مادیه و معنویة آنجامه گردد. این است

تعلیمات مدینه فاضله اگر انسانها مینوانستند بهتر از این مدینه دیگری تشکیل دهند پس چرا در نتیجه سعی و کوشش و کشمکش بسیار بالاخره يك مدینه مادیه تشکیل داده و لازال گرفتار عواقب وخیمه آن شده و دریای شقاوت و بدبختی گرفتار امواج مهولہ مادیت گشته روز افزون مشاگل آنها افزوده می شود و بهیچ حیلہ و وسیله نمی توانند گریبان خود را از این گرفتاری های مادیت برهاتدبلی کسانیکه پشت پا بنوامیس اجتماعی آلهیه زده و اعتراض از دخول در مدینه فاصله انبیاء نمایند ناچار باین مشکلات دچار خواهند گردید. چنانچه خداوند در قرآن مجید فرموده «و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا من رفیها ففسقوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا» شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دیگر، حال بر گردیم بر سر اصل مقصود می گویم معنی خبر شریف

### لاعدوی فی الاسلام

از مجموع آنچه ذکر شد اهتمام شارع اسلام قبل از هر چیز بنظافت و طهارت معلوم گردید که اگر بیش از این کنج کاوی در احکام آن شریعت شود واضح می گردد که بیش از هر چیز بنظافت اهتمام داده تا حدی که آن را سر لوحه و دیباچه سایر قوانین خود مقرر فرموده البته بعد از همه آن مقررات شارع اسلام حق دارد که بفرماید ( لاعدوی فی الاسلام ) یعنی اگر بآن دستورات عمل شود جامعه بشزیت از شرور امراض و سزایت میکروبها مصون و محفوظ خواهد ماند چه آنکه تقویت بنیه و

مزاج و مراعات طهارت و نظافت در هر چیز خود یکی از وسایل  
 قتاله هر میکروب مضره است بدین جهت لاعدوی فی الاسلام  
 فرمود که مقصود از آن احکام اسلام است و فرمود ( لاعدوے  
 فی الطباع اولا عدوی فی الکون ) تا کسی اعتراض نکند که عدوئی  
 که بمعنی سرایت است بالحس والعیان مشهود و وجود میکروب و  
 سرایت آن بسرحد ثبوت رسیده و کسی را قدرت انکار آن نیست  
 بلی این اعتراض را کسانی میکنند که از تعلیمات شریعت اسلام خبر  
 ندارند و یا آنکه متاسفانه مسلمانان امروزه را دچار همه گونه فلاکت  
 و کثافت و امراض دیده چنین خیال میکنند که اسلام آنها را  
 باین درکه سفالت و پستی رسانیده غافل از اینکه چون مسلمانان  
 امروزه یکسره اعراض از تعلیمات اسلام کرده و بقوانین آن  
 پشت پا زده اند تمام انواع بدبختی های مادی و معنوی منوجه آن  
 ها گشته و نزدیک شده که این وضعیت کنونی آنها را از حلیه  
 آداب انسانیت عاری و برے کرده از جامعه بشریت تبعیدشان نماید  
 اسلام بذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

### نتیجه مجموع ماسبق

از مجموع آنچه گذشت معلوم میشود مدینهئی که بتواند  
 انسانرا بر منزل سعادت و مقصود اصلی از خلقت انسانیت که همانا  
 رقاء حیاتی و معنوی برساند مدینه ایست که انبیاء کرام تشکیل  
 میدهند چه آنکه آنها محب انسان و عالم بقدر و منزلت وجود  
 ایشان و عاقبت اندیش و صاحبان افکار ناضجه صائبه ~~که~~ هیچگاه  
 خطا در افکارشان راه ندارد و همواره از مبدا اعلی مؤید و

مسددهستند. بهترین و بالاترین مدینه‌نیکه میتواند همه گونه خدمت  
 بعالم انسانیت نماید مدینه فاضله حضرت ختمی مرتبت است زیرا  
 ناموس ترقی و تعالی و تکامل تدریجی آن قبل از چهارده قرن تقاضا  
 نمود آخرین قانون ابدی که بهر از آن تصور ندارد برای  
 انسانها از طرف مبدء اعلیٰ بتوسط حضرت خاتم الانبیاء آورده شود  
 لذا اگر رجوع بناریخ اسلامی نمائیم خواهیم دید که در گذر از یک  
 قرن پیروان آن شریعت بدرجات عالیّه از علم و فضل و اخلاق ایست  
 شدند و در قرن سیم و چهارم مرجع تمام کره ارض در تمام برداش و  
 اختراع گردیدند. مدینه السلام بزادگاه در عرق و دارالعلم قرطبه در  
 اندلس بزور کترین مهبط علمی تمام دنیا بود این ترقی سر به السیر  
 محیر العقول از برکت تعلیمات آخرین نبی آسمانی که بهترین و بالا  
 ترین پیغمبران و فرستاده شد نان خدا بود برای مسلمانان روی داد. آنچه از  
 حکم و اسرار و فلسفه قوانین مدینه و غیره در دنیا اش ذکر شد یکی از نوازشها  
 آرزو مندیم که در آینده بسیار نزدیک ترقی سلوم اسرار و حکم چندی  
 دیگر کشف شود که بهتر و نیکوتر فتیل و منافع این مدینه فاضله را  
 بعالم بشریت بقبولاند و چنین پیش بینی میکنیم که اگر جامعه بشریت  
 از این سکر خمر مادیت بهوش آید و تفکر و تدبیر در احراک گذشته  
 و بدبختیها آنکه از مدینه مادیت باو هجوم آور شدد بنماید و بخواهد  
 برای خوشی و خوشبختی و سعادت ابدی خود در آینده فکری نماید  
 و اندکی در احکام و قوانین شریعت اسلام اعمال نظر کنند بالقطع  
 والیقین در مدینه فاضله اسلام داخل شده از سرور و فلاکت های مدینه  
 مادیت خود و نسل آینده را خلاص خواهد نمود. يك چنین قون

و دوره را فی الحقیقه می توان دوره مشعشع و خوش بختی انسانها و قرن طلائی نامید اکنون ما طومار سخن را در هم پیچیده مابقی مطالب خودمان را بوقت دیگر و اگر موفق شدیم به جلد دوم این رساله حواله می دهیم و در خاتمه از ناظرین در این رساله و مطالعه کنندگان این مقاله تمنا داریم اگر در این معروضات نظری یا اعتراضی دارند بخود نگارنده مراجعه نمایند که اگر خطا یا سهوت شده منته آرزو سازند و قد فرغت من تحریر هذا الوحیة فی امدة (قزوین) فی لیلة السابع والعشیرین من شهر رجب الاختم سنة ۱۳۲۸ حرره الاقل حسین ابن محمد باقر ابن ابراهیم الموسوی القزوینی اصلاح و جاری و سکا و مدفأ اشاء الله تعالی .



**بعضی توضیحات و تمریناتی که بعد از طبع کتاب الحاق میشود**  
در فراز (تعلیمات اسلام بر اساس حفظ الصحه است) در آخر این فراز که در انتهای صفحه ۱۱۴ کتباب درج شده شرح ذیل را مطالعه نمایند

**توصیه اطباء در حفظ الصحه یا اجتناب از استعمال عقاقیر**

در اثر تحقیق و تفایش اطباء در این دوره ترقی علوم خاصه علم طب ابدان علماء این فن دودسته شده . هر کدام برای تأمین صحت سلامتی انسان از هجوم امراض و وسائلی تشبث کرده آنرا مفید میداند مابرای اینکه خواتندگان محترم را هلال روی نهد و مختحری از ملخص این دورای و دو مذهب را در این رساله نقل مینمائیم تا معلوم شود که آخرین مجاهدات علماء و بزرگان این فن طبیعی (علم طب) که بهترین و بالا ترین وسیله را برای تأمین حیاة و یا خوش بختی جامعه دسنور میدهند چیست . شریعت مقدس اسلام قبل از چهارده

قرن تقریباً این دستور را بطور مفصل در کتب تعلیماتش گوش زد عالم کرده ولی چه حوش گهت . آنچه در آینه جوان بیند . پیر درخست خام آن بیند . بالجملة علماء فن طب در این قرن برای تأمین حیات دودسته شده و هر کدام در این باب مذهبی اختیار و آنرا وسیله و سبب آسایش طبیعی بشر میداند یکی از این دودسته چنین میگویند که بدن انسان در اثر عوارض خارجی یا داخلی گاهی میجاء با استعمال ادویه و عقاقیر میگردد ولی با رعایت استخدام تدابیر صحیه جماعت دیگر از این اطباء راعقیده این است که اگر چه استعمال ادویه برای مرض گاهی فائده مند است لکن در عین حال موجب بروز و ظهور مرض دیگری میگردد که بسا میشود در اثر آن یکسره سرمایه زندگانی را از دست داده هلاک شود . این جماعت معتقدند که نامطب فقط و فقط منحصر است در دانستن کیفیت استخدام قوای طبیعه داخله خارجی مانند استفاده از هواهای آزاد پاک خالی از آلابش که دارا اش اکسژن بسیار بود و استعمال غذاهای نیکوی صحی که از گوشنهای فرمز اموات حیوانات و سایر مهیجات خالی باشد و ورزش بدنی بطور معتدل و استحمام با آب سرد یا نیم گرم و غیره از اینها از تدابیر صحیه ایکه مزاج یا عضو مریض را نقویت گردد در مقام مکافحه و مجادله با مرض برانگیزانند . این دسته از علماء میگویند معالجه بعقاقیر موجب برء و شفای مریض نمیکردد بلکه آنچه موجب شفاء و برء مرض میگردد همانا قوه حیاتیه طبیعی موجوده در بدن انسانست دکاتور ( سنینفس ) استاد دارالتنون نیویورک چنانچه اسناد ( بلز ) آلمانی از مشار الیه نقل میکند چنین

میگوید: هر قدر که سن و عمر ایلیاء بیشتر میشود (مقبود کثرت  
تجارب است) اعتقاد آنها در تأثیر ادویه و عفا فیر کمتر میگردد  
و بیشتر سبب دهند استخداد قوای باطنیه میکنند. منار الله میگوید:  
ووجدت هم این محرمات جدیده در فن طب که باعانه و صداهای  
زیاد نافی و اسهال شده مشاهده میکنم که مریضها در سنر امراض  
مانند چپلی - ل فله هیزه باهوفرید و شکایت دارند پس از این اختراعات  
جواب دادند که حیرت من آن خیال سرشت نفاذ امراض در زحمت  
اگر سایر آنها را آید و تمام بدن آنها هزاران نسج و تهلیل  
و تفسیر استخمال و نافریتایل بود داد چه استخداد کرده و کدام نتیجه  
مندی را بردند. اما در آن مذکور آورده اند هر بیشتر  
از تمام طب را بی مانند قوای باطنیه مرقومه را نقل میکنند.  
صداهات و نجات دهنده نیز مؤثر آن افواست سار آنچه ذکر شد  
معروف میگردد که اسهال آید به و عفا فیر در شفای امراض غیر از هلاکت  
بناجیه شکاری ندارد پس ضرور است که هرگز انسان بمرض مبتلا  
شود از خوردن و آسامین خود داری نماید و برای رفع آن مرض  
بسیور نماید. عمل نماید که کیفیت حفظ الصحه و استخداد قوای داخلی  
بدن و استخداد منافع امور باطنیه خارجه را مانند استشفاء آب یا هوای  
آزاد در اوائل آن دستور میدهند. این قسم استشفاء معراتب بهتر  
است از دستور کسایکه با استعمال ادویه مختلفه اسارا در معرض  
هلاکت در آورده و با آنکه لا اقل از کثرت استعمال  
آن سبب آیند را ضعف المزاج بینمایند زیرا این مسئله نیز  
بدقت و در تحت مراقبت و امتحان تا درجه معلوم شده که ضرر  
استعمال ادویه جدید در ضعف نسل یک عامل مؤثر قوی بشمار است

طیب آلمانی مذکور چنین پیش بینی کرده میگوید از پیش آمد اوضاع این فن چنین معلوم میشود که عنقریب علم طب یکسره از میان رفته و مضعحل شود و قانون حفظ الصحة جانشین آن گردد و تمام معالجاتی که نسبت بنأثیر ادویه موجوده با کمال مبالغه و زیاد روی میدهند سیری کشته . بلی قسمی که از این فن بجای خواهد ماند همانا عمل جراحی است که منافع آن قابل تردید نیست انهی .

این است ماخص اقوال بزرگان علماء فن طب در این عصر جدید که بافکار اقبه و ائمه تمام معالجات بادویه و عقاقیر موجوده را در تحت تجارب عدیده در آورده و در نتیجه آن چنین اعلام مینمایند و آن قسم پیش بینی میگردد آیا میدانید که در اثر تلفات چندین میلیون نفوس و چندین میلیارد ثروت. باین نتیجه نایل آمده اند؟ اگر برای این احتسابات جانی و مالی بشر از تاریخ اختراعات ادویه جدید قائمه رسمی در دفاتر دول عالم منمدن دنیا موجود بود هرآینه معلوم میشد که عده قبرستان های انسان از شئات استعمال ادویه و عقاقیر جدید در این قرون اخیره به مراتب عدیده پیشتر از قبرستانهای قرون قبل از تمدن و ترفی خیالی فن طب است و این حق المعاینه ( ویزیت ) های انباء که از نحوست شهادت نامه های ( دیپلم ) بعضی از مدارس دول اروپا با وسایل شرم آوری تحصیل میشود چنانچه علامه اجتماعی ( کوستا و لیون ) در بعضی از تألیفات خود منعرض شده (۱) چه قدر خسارت و ریان مالی علاوه بر جانی بر عالم بشریت وارد ساخته که اگر این احصایه را قائمه

(۱) رجوع بکتاب روح الاجتماع شود



بود محقق میگشت که اموالیکه جامعه در این راه بیهوده صرف کرده اند اگر روی هم رفته انبوه میگردند چندین برابر از ضخامت و ارتفاع (هرمان مصر) و برج (ایفل) پاریس بیشتر میشد بیچاره انسان هنوز مبتلاست موهومات یا حیلہ گرے برای ارتزاق از تشبث به بیچگونگی و سبیل و دسیسه خود داری نمیکند گاهی از طریق خدرو یا مسکر فروشی آتش بجان جامعه میزند گاهی از حریت قمار و زنا بشر را دچار همه گونه بد بختی و امراض میکند. قرسنانها برای پر کردن شکبه خود از ازهاق حیات پر قیمت انسان لشکلب میدهد بلی بر کور و جنازه اش گل و ریاحق تار میکند. در اطراف قبرش باغ و باغچه و گل کارے برپا میکنند. ملاحظه کنید که یکدام موهومات و خرافات میخواستند اسباب تسلیه برای خود فراهم سازد. بارے از مطلب دور نرویم شارع اسلام برای خلاصی و کامکاری بشر این نظریه و عقیده ابرا که در این دوره تمدن و تجدد با آن خسارتهای هنگفت علماء فن طب اظهار میدارند قبلا پیش بینی کرده و عملا نوع تعلیمات خود را بر اساس و پایه آئین حفظ الصیحه نهاده است. آیا چنین شریعت و این قوانین نمیتواند مدینه فاضله برای بشر برپا نماید؟ اگر از انصاف ننگذریم و وجدان را در این مسئله حکم نمائیم بسی دغدغه و نردید چاره جز خضوع و خشوع در مقابل قوانین نورای اسلام که بهمه جهت سعی و کوشش در خوشبختی جامعه بدون اجرو مزد مینماید نخواهیم داشت.

نگار من که بمکتب نرفت و خط نوشت بمنزه مسئله آموز صده مدرس شد

## اعتذار

اگرچه دماغ محیط ما از این کنجکاوی ها و تحقیقات علمی بهره کافی نکرده اسامی والقباب مفضمه دارالاطباء انستیتو ها و سایر مظاهر خداعه این درجات مرعوبمان نموده فقر علمی و ادبی بیچاره مان ساخته . شاید بسیاری از فرقه مقلده که بدون منطق خود را تسلیم هر مظهری از مظاهر حدیثه مینمایند این نکارشات را به تمسخر و استهزاء تلقی کرده بر عقل نگارنده اش بخندند و از پیگردی نویسنده اش انکاشت حیرت بدندان بگزند ولی ما بایک عزائم و یک قدم راسخ در مقابل تمام آن احوال هولناک مقاومت کرده بر عقیده خود اسرار مینمائیم زیرا هیچکاه اعمال و افعال جامعه را میزان صحت و سقم مطالب نمیدانیم میزان در نزد ما عام و منطق است اگر عام و منطق یار و پیشانی ما باشد از هیچ اندام مهولی رعب و هراس خود راه نمیدهیم و بقول یکی از محققین علما ده گفته شد . اذا ساعدنا الدلیل فلا نستوحش من الانفراد بر مطالب خود ادامه میدهیم . غرض از این اعتذار آنکه اگر کسی انتقاد نماید که این محیط هنوز استعداد گفت و شنود اینگونه مطالب را ندارد پس گفتن و نوشتنش لغو بلکه خود را در معرض ملامت جاهلان و بیخردان آوردن است جوابش اینست که ما بر حسب وظایف و خیر خواهی نوع و جامعه باید از گفتن و نوشتن مطالب نافع دریغ و مضایقه نه نمائیم . و خود را برای ملامت حاضر و آماده کرده در بند آن نینسیم که نشنید یا شنید و همواره بمضمون - (اللق کلمتک و امش) عمل میکنیم | ان فی ذالک لذکری لمن له قلب او القی السمع وهو شهید

اتهی

| صفحه | سطر | غلط           | صحیح                  |
|------|-----|---------------|-----------------------|
| ۲    | ۲   | اوصیاء        | اوصیاءه               |
| ۱۱   | ۱۸  | ومردم         | مردم                  |
| ۱۱   | ۲۲  | مشیت ازای است | مشیت و اراده ازلی است |
| ۱۲   | ۵   | بنبوت         | نبوت                  |
| ۱۳   | ۱۰  | متنمادی       | مبادئی                |
| ۱۳   | ۲۱  | بالطبع        | بالطبع                |
| ۱۴   | ۱۰  | آنروز         | آنسرور                |
| ۱۴   | ۱۴  | و این صورت    | در این صورت           |
| ۱۶   | ۱۲  | اعراب         | عرب را                |
| ۱۶   | ۱۳  | ازوضع         | در وضع                |
| ۱۷   | ۱۶  | تورات ابدأ    | تورات امروزه ابدأ     |
| ۱۷   | ۱۹  | عالم بشر      | عالم بشریت            |
| ۱۸   | ۲۱  | وتجریه        | تجر به                |
| ۱۹   | ۱۵  | چون مسلمانان  | مسلمانان              |
| ۲۰   | ۵   | ازسیر و سیر   | ازسیر و سیر           |
| ۲۱   | ۲   | کوستالبون     | کوستا و لبون          |
| ۲۲   | ۲   | مورد انقراض   | انقراض                |
| ۲۵   | ۱۲  | خضوع او       | خضوع باو              |
| ۲۸   | ۵   | اسم واقوام    | اهم واقوام            |
| ۲۹   | ۲۰  | راجز          | زاجره                 |
| ۳۰   | ۱۴  | فنی زمانی     | وقتی وزمانی           |
| ۳۴   | ۵   | وخشمناك       | وحشتناك               |
| ۳۴   | ۱۶  | وعددهای       | وعیدهای               |
| ۳۴   | ۱۸  | جباهم         | جباهم                 |
| ۳۴   | ۱۸  | عمی           | یحمی                  |
| ۳۵   | ۱۵  | باب ۲۲        | باب ۲۳ (۱)            |

| صفحه | سطر | غلط           | صحیح                |
|------|-----|---------------|---------------------|
| ۳۵   | ۱۷  | آیة ۳۰        | آیة ۲۰              |
| ۳۷   | ۵   | بهت           | بہت                 |
| ۳۸   | ۵   | قطوفوها کاکوا | قطوفوها دانیة       |
| ۳۸   | ۱۹  | وخیمہ         | ووخیمہ              |
| ۳۹   | ۲   | نکردن         | میگردند             |
| ۳۹   | ۱۹  | تعظیبن        | تعظیبنی             |
| ۴۰   | ۸   | نخواشد        | خواهد               |
| ۴۰   | ۱۲  | برید          | میرید               |
| ۴۱   | ۶   | کرد           | کرده                |
| ۴۱   | ۱۱  | لمن یمننا     | لمن یمیننا          |
| ۴۳   | ۱   | قرار          | امرار               |
| ۴۳   | ۸   | ترویج         | ترویج               |
| ۴۳   | ۱۱  | لذت از لذت    | لذت اندر لذت        |
| ۴۳   | ۱۵  | قنط           | قنط                 |
| ۴۴   | ۱۹  | از رفع        | در رفع              |
| ۴۶   | ۸   | کہ آیہ ما     | کہ مادر این آیہ     |
| ۴۷   | ۳   | تدبیر         | تدبیر               |
| ۴۷   | ۵   | غض            | غرض                 |
| ۴۷   | ۱۲  | ہیمنہ         | تہیہ                |
| ۴۸   | ۱۰  | خداشناس       | خدا شناسی           |
| ۴۸   | ۱۷  | ہمانا استفادہ | ہمانا برائے استفادہ |
| ۴۹   | ۵   | نمود          | نمودہ               |
| ۴۹   | ۱۳  | بر خوردن      | بر خوردن            |
| ۵۰   | ۱۲  | کون           | کہون                |
| ۵۳   | ۱   | مشبت          | مشبت (۲)            |

| صفحه | سطر | غلط                   | صحيح            |
|------|-----|-----------------------|-----------------|
| ۵۳   | ۸   | مجلات                 | مجلدات          |
| ۵۳   | ۱۹  | حرارت                 | حراست           |
| ۵۳   | ۲۱  | با اینکه              | با اینکه        |
| ۵۴   | ۶   | هر گاه                | هر کاریرا که    |
| ۵۵   | ۴   | معروف                 | معروضه          |
| ۵۵   | ۱۹  | تلاش                  | تلاشی           |
| ۵۵   | ۲۱  | هم چنین               | ندارد           |
| ۵۶   | ۱   | این کمال تدریجی       | تدریجی را       |
| ۵۷   | ۱۰  | مرکز تعیش             | مرکزیتش         |
| ۵۷   | ۱۳  | خود جماد              | خود و جماد      |
| ۵۸   | ۴   | مهمی                  | همی             |
| ۵۹   | ۱۰  | و سایر                | و بر سایر       |
| ۵۹   | ۱۲  | باشد                  | باشند           |
| ۶۳   | ۱   | عمل                   | حمل             |
| ۶۳   | ۱۸  | مراد                  | مورد            |
| ۶۳   | ۲۰  | از انسانها            | جمعی از انسانها |
| ۶۳   | ۲۰  | که از اعضا            | که از اهل اعصار |
| ۶۴   | ۱۳  | میکنند                | میکنند          |
| ۶۴   | ۱۵  | منحوسات               | منحوتات         |
| ۶۵   | ۲۲  | فی حوال العرب         | فی تقدمات العرب |
| ۶۸   | ۱۰  | حالیه                 | خالیه           |
| ۶۸   | ۱۵  | می بسند               | می بخشند        |
| ۶۹   | ۱۶  | يك سطر افتاده این است |                 |
| ۷۲   | ۴   | نافعه                 | ناضحه (۳)       |

جای شبهه و تردید نیست که شریعت محمدیه اکمل و افضل از تمام شرایع سابقه است زیرا شکبی نیست در اینکه چنانچه

| صفحہ | سطر | غلط            | صحیح            |
|------|-----|----------------|-----------------|
| ۷۲   | ۱۳  | کاسانی         | کاشانی          |
| ۷۳   | ۲   | مدقہ           | مداقہ           |
| ۷۴   | ۵   | یحیی الارض     | یحیی اللہ الارض |
| ۷۴   | ۶   | یحیی الموتی    | لمیحیی الموتی   |
| ۷۴   | ۱۱  | شدہ قدم        | شدہ دوبارہ قدم  |
| ۷۴   | ۱۷  | فوت            | موت             |
| ۷۴   | ۱۹  | یحیی الموتی    | لمیحیی الموتی   |
| ۷۵   | ۷   | چنین           | ہمین            |
| ۷۶   | ۶   | دارای          | دارے            |
| ۷۶   | ۷   | رسیدن          | دہیدن           |
| ۷۶   | ۲۳  | باخود          | یاخود           |
| ۷۷   | ۱۰  | وچمنہا         | وچمنہائیکہ      |
| ۷۷   | ۱۰  | از ظام فصل     | از ظام آن فصل   |
| ۷۷   | ۱۴  | شد             | شدلا            |
| ۷۷   | ۱۴  | عصر ضعیف       | عصر سلطنت ضعیف  |
| ۷۷   | ۱۷  | مردہ           | مردن            |
| ۷۸   | ۱   | عباد           | معاد            |
| ۷۸   | ۴   | دو مقابل       | در مقابل        |
| ۷۸   | ۵   | انسان          | آسمانی          |
| ۷۸   | ۱۲  | انسان          | اسلام           |
| ۷۸   | ۱۴  | وعلوم          | علوم            |
| ۷۹   | ۲۲  | دزد اہوال      | دزدی گردن اہوال |
| ۸۰   | ۱۶  | اجتماعی بشر را | اجتماعی را بشر  |
| ۸۰   | ۱۶  | نمود           | نماید           |
| ۸۰   | ۲۰  | قسمت           | محبت            |
| ۸۰   | ۲۲  | و با تقدم      | با تقدم (۴)     |

| صفحہ | سطر | غلط       | صحیح         |
|------|-----|-----------|--------------|
| ۸۱   | ۱۲  | سلب       | جلب          |
| ۸۱   | ۱۳  | دفعہ دم   | دفعہ آلام    |
| ۸۱   | ۲۰  | موقفت     | موقعت        |
| ۸۲   | ۴   | تمدن      | تمدن         |
| ۸۳   | ۸   | بنوابد    | بتواند       |
| ۸۴   | ۲۰  | بشرح      | شرح          |
| ۸۵   | ۱   | بخشود     | بخشودہ       |
| ۸۶   | -   | مذاکر     | بیشترند      |
| ۸۶   | ۷   | قانون     | اکر قانون    |
| ۸۶   | ۸   | شدید      | سدید         |
| ۸۶   | ۱۰  | قائدہ     | فائدہ        |
| ۸۷   | ۱۰  | از آنجملہ | کہ از آنجملہ |
| ۸۷   | ۱۰  | سرفت      | سرفت است     |
| ۸۷   | ۱۳  | کہ قانون  | کہ اکر قانون |
| ۸۸   | ۱۸  | اشخاص     | اشخاص        |
| ۹۰   | ۱۲  | بقدری     | بقدرے        |
| ۹۱   | ۷   | محل       | محل          |
| ۹۲   | ۹   | تمدن      | تمدن         |
| ۹۲   | ۲۰  | کہ انہار  | کہ آنہارا    |
| ۹۳   | ۸   | بموجب     | موجب         |
| ۹۳   | ۱۶  | حرف       | سرف          |
| ۹۵   | ۲۱  | کرو       | کروہ         |
| ۹۵   | ۲۲  | مسقات     | مشقات        |
| ۹۶   | ۱۰  | نمایند    | نماید        |
| ۹۷   | ۱۲  | اندیش     | اندیشی       |
| ۱۰۰  | ۸   | مانعین    | مانعین (۵)   |

| صفحه | سطر | غلط          | صحیح            |
|------|-----|--------------|-----------------|
| ۱۰۰  | ۲۱  | چهار قرن     | چهارده قرن      |
| ۱۰۱  | ۲۳  | وملکه        | ملکه            |
| ۱۰۲  | ۶   | مدینه        | ملکه            |
| ۱۰۲  | ۱۶  | میکنیم       | میکنیم          |
| ۱۰۳  | ۱   | جعبل         | جعل             |
| ۱۰۳  | ۷   | وزرش         | ورزش            |
| ۱۰۴  | ۱۹  | زرارت        | وزارت           |
| ۱۰۷  | ۵   | بالنقین      | بالنضمن         |
| ۱۰۸  | ۶   | عضو          | عفو             |
| ۱۱۲  | ۱   | والکلیات     | والطیبات        |
| ۱۱۳  | ۶   | مساقرت       | مناقرت          |
| ۱۱۴  | ۳   | دیاشت        | دیانت           |
| ۱۱۴  | ۹   | دیاشت        | دیانت           |
| ۱۱۶  | ۵   | انکار        | افکار           |
| ۱۱۶  | ۱۷  | ندهد         | بدهد            |
| ۱۱۷  | ۱۱  | صدای         | صلای            |
| ۱۱۷  | ۱۲  | فی الایمان   | من الایمان      |
| ۱۱۷  | ۱۹  | ترقیه        | ترقیه           |
| ۱۱۷  | ۱۹  | منیع         | بلغ             |
| ۱۱۸  | ۵   | المنطاحرین   | المتطهرین       |
| ۱۱۸  | ۷   | صحت          | محبت            |
| ۱۱۸  | ۱۵  | عالم انسانیت | عالم انسانیت را |
| ۱۱۹  | ۱۰  | درین         | در این          |
| ۱۱۹  | ۱۳  | بیسطه        | بیسطه           |
| ۱۱۹  | ۲۱  | مرفیه        | صرفه (۶)        |



| صفحه | سطر | غلط     | صحیح        |
|------|-----|---------|-------------|
| ۱۲۰  | ۶   | لکه     | آنکه        |
| ۱۲۰  | ۹۴  | بیشتر   | منشتر       |
| ۱۲۱  | ۷   | یا      | تا          |
| ۱۲۲  | ۴   | هیشه    | همیشه       |
| ۱۸۲  | ۸   | کردد    | نکردد       |
| ۱۲۳  | ۶   | رای     | برای        |
| ۱۲۴  | ۱۷  | چندان   | که چندان    |
| ۱۲۵  | ۱۰  | علی     | اعلی        |
| ۱۲۶  | ۹۴  | عمال    | اعمال       |
| ۱۲۷  | ۴   | دیاری و | ودر دریای   |
| ۱۲۷  | ۹۹  | و معنوی | و معنوی است |